

به نام خدا

تمنای قانون‌گرایی

چکیده

قانون‌گرایی از پدیده‌های مورد علاقه جامعه‌شناسی حقوق به شمار می‌آید که اغلب نگاه‌ها بدان خطی، ابزاری و اقتباسی است. این در حالی است که پدیده فوق‌واحد خصایص پیچیده‌ای می‌باشد. در این مقاله سعی شد قانون‌گرایی مورد تحلیل میان رشته‌ای قرار گیرد و بر دادوستد آن با فرهنگ ایران زمین بر مبنای درس‌هایی از مشروطه تمرکز شود. با توجه به آنکه مفهوم مزبور، ظهور و قوام آن با دستگاه‌های معرفتی متفاوت بررسی می‌شود، نیل به فهمی جامع از آن، به ویژه در جامعه در حال گذار ایران، مستلزم ورود به حوزه‌های مختلفی مانند کلام، فقه، تاریخ حقوق، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، و... (تحلیل سیستمی) است. در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی با ابزار فیش‌برداری بهره‌برده و سعی شد گام دیگری در حوزه مطالعاتی جامعه‌شناسی حقوق باشد. از نتایج چنین برآمد که قانون‌گرایی دارای جنبه اجتماعی و پدیده‌ای پیچیده، چندساحتی، متغیر و متنی است که در رابطه‌ای رفت و برگشتی با مهم‌ترین اقتضای خود - فرهنگ - قرار دارد. غایت آن نفی رفتار دلبخواهی، و روح آن نیز برابری است. چرایی رابطه مزبور بیش از همه ریشه در اهمیت وجود بستر ظهور فرهنگ قانون‌گرایی دارد. اهمیت اقتضای فرهنگی نیز بدان دلیل است که قانون‌گرایی نوعی رفتار اجتماعی بوده و این خود عمدتاً توسط هنجارهای محیط اجتماعی الگودهی می‌شود. بر اساس آمارهای موجود، کشور ما در حال حاضر فاقد شرایط مطلوب برای پایداری قانون‌گرایی است. در جستجوی علت این ناهم‌نوایی، مطالعات ما نشان داد در فرهنگ ایرانی نوعی خصایف فرقه‌ای قابل شناسایی است. این خصیصه، فرهنگ مزبور را در مقابل غایت و روح قانون‌گرایی قرار می‌دهد. اما رابطه مزبور از نوع تباین نیست؛ با عنایت به مناسبات رفت و برگشتی نظام قانونی و فرهنگ، تغییراتی از حیث تبعیت از قانون در برخی حوزه‌های اجتماعی به وجود آمده که نشان‌دهنده تحول در داد و ستد فرهنگ ایرانی با قانون‌گرایی است.

واژگان کلیدی

ایران، جامعه‌شناسی حقوق، حقوق عمومی، حاکمیت قانون، فرهنگ، فرقه‌گرایی

هر چند «جودیت اشکلار» معتقد است «حاکمیت قانون»^۱ به خاطر کاربرد روزمره و عامیانه و سوء استفاده ایدئولوژیک از معنا تهی شده است (Shklar, 1987: 1 – 16)، اما به نظر می‌رسد همچنان از نگاه عمده مؤلفان یک ایده‌آل مهم برای نظام‌های حقوقی مدرن است (Tamanaha, 2012: 232). حاکمیت قانون را با عینک جامعه‌شناسی حقوق و فراگیرتر می‌توان «قانون‌گرایی»^۲ نیز نامید. این پدیده اشاره به وجود یک نظم آگاهانه، در پدیده و پایدار در میان مقامات و مردم داشته و از آن عمدتاً در جامعه‌شناسی، حقوق و علوم سیاسی بحث می‌شود (Tyler, 1990: 3).

مطابق برخی نظرات، تبعیت از قانون هماهنگی و انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهد (McAdams, 1654-1650: 2000). به باور تعدادی از مؤلفان، جامعه قانون‌گرا امکان مناسبی برای ایجاد و تداوم نظم اجتماعی دارد و از آنجا که با اجرا شدن قوانین و احکام قضایی، جامعه امن‌تری خواهیم داشت (ذوالفقاری، عزیزاده و بهرامی، ۱۳۹۱: ۶۱-۶۰)، رعایت قانون بر مدیریت صحیح جامعه اثر گذار خواهد بود (هابز، ۱۳۸۱: ۱۶۱ و ۱۶۳). از نگاه برخی محققان، قانون‌گرایی می‌تواند نقش خوبی در کاهش خشونت مردم علیه یکدیگر ایفا نماید (North et al, 2009: 13 – 14).

با توجه به این موارد و نیز این نکته که «مدیریت امور عمومی مستلزم اعمال و اجرای نظام حقوقی، در همه شعب و شئون این مدیریت، به شکل کارآمد است» (راسخ، ۱۳۹۵: ۹-۷)، اثربخشی دولت را نیز می‌توان یکی از نتایج قانون‌گرایی در جامعه دانست، امری که امکان افزایش مشروعیت دولت را سبب می‌شود (Tyler, Op.Cit: 19-22). به این امور می‌توان کمک به زدودن «دزدسالاری»^۳ از ساختار دولت را نیز افزود.

از یک منظر، حاکمیت قانون یک ارزش سیاسی است که ضابطه‌مندی در اعمال قدرت را مطمح‌نظر قرار می‌دهد (Gowder, 2013: 567). امروزه یکی از موضوعات بنیادین نظریه مشروطه، این است که

حاکمیت قانون در کنار تفکیک‌قوا و مردم‌سالاری، بخشی از راه‌حل مشکلات جامعه است (Ratnapala, 1990: 19 و: کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۴۹۲؛ امیرارجمند، ۱۳۸۱: ۷۴). این اصطلاح که دارای پیشینه‌ای کهن در

¹ The Rule of Law

² Law abiding

³ Kleptocracy

تاریخ اندیشه است، از خواسته‌های بخش بزرگی از مردم محسوب می‌شود و کشورهای در حال توسعه به دنبال دستیابی و حفظ آن هستند. آرزو و آرمانی که در اسناد مهم جامعه بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد اشاره و تأکید قرار گرفته (Sellers, 2010: 1) و تأثیر آن بر جلوگیری از بی‌ضابطگی آشکار شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۲).

کشور ما ایران نیز به طور مشخص از سال ۱۲۸۵ خورشیدی و با پیروزی انقلاب مشروطه، در مسیر برقراری حاکمیت قانون گام برداشته است. گرچه نمی‌توان منکر تغییرات مثبت جامعه ایران پس از مشروطه شد، اما بررسی با حاکمیت، از عدم توفیق حداکثری در دستیابی به حاکمیت قانون دارد:

برای نمونه، بر اساس گزارش «پروژه عدالت جهانی»^۴ در سال ۲۰۲۴، که میزان حاکمیت قانون در کشورها را در ابعاد مختلفی مانند نبود فساد، رشوه، اختلاس، نبود جرم و...سنجیده است، «شاخص حاکمیت قانون» در ایران ۰/۳۹ است. قابل توجه آنکه دامنه تغییر در این گزارش، از «۰» تا «۱» می‌باشد و هر چه عدد از یک به سمت صفر حرکت کند، نشان دهنده شرایط نامناسب حاکمیت قانون است. لذا با این وضعیت، کشور ما در رتبه ۱۲۸ از میان ۱۲۲ کشور (پایین‌تر از بنگلادش و بالاتر از پاکستان) قرار دارد (WJP Rule of Law Index, 2024: 10, 23).

متأسفانه آمار تبعیض میان استان‌ها از حیث برخورداری از برده و طرفیت‌های اقتصادی (عزتی، ۱۳۹۲: ۹۶ - ۹۵ و نیز: عزتی، سیف و ملکی شهریور، ۱۳۹۲: ۱۴۳ - ۱۱۲) معنادار به‌دین احساس طرد اجتماعی و تبعیض قومی در برخی مناطق ایران (نواح و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۹)، وضعیت نگران‌کننده قتل‌های ناموسی در بعضی استانها (رحمانی و جعفری، ۱۴۰۰: ۲۴)، رشد قابل توجه فرار مالیاتی که در بازه ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۴ فرار مالیاتی در ایران از ۶/۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی به ۱۱/۳۳ درصد رسیده است (قلی زاده، آقایی و عالمی، ۱۳۹۸: ۱۹۱)؛ افزایش ۳۰۰ درصدی اختلاس و ۳۵۷ درصدی رشوه‌خواری در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۰ نسبت به مدت مشابه سال قبل (مقیم، ۱۴۰۰)؛ برخی پرونده‌های محیر العقول فساد (بی‌نا، ستاره صبح آنلاین، ۱۴۰۴)، و... از مدلول گزارش فوق حمایت می‌کند.

همچنین است رتبه پایین ایران از لحاظ میزان احساس (ادراک - آگاهی)^۵ فساد در بخش عمومی و دولتی: در سال ۲۰۲۴ کشور ایران در میان ۱۸۰ کشور جهان رتبه ۱۵۱ را به خود اختصاص داد (Transparency International, 2024 : 3)، ورود بیش از ۲۵ هزار پرونده به شعب بدوی و

⁴ The World Justice Project

⁵ Perception

تجدیدنظر دیوان عدالت اداری فقط در آبان ماه ۱۴۰۲ (مظفری، ۱۴۰۲) و این نکته که ایران در سال ۲۰۲۳ با داشتن حدود ۱۸۹ هزار زندانی رتبه دهم جهان را به خود اختصاص داد (بی نا، ۲۰۲۳)، نشان می‌دهد رعایت نشدن قانون در ایران (بعد عینی و نه ذهنی قانون‌گرایی یا به عبارت دیگر، پایبندی به قانون در عمل) تبدیل به یک مسأله اجتماعی شده است.

نکته حایز اهمیت آنکه، در حالی که مطابق یک تحلیل آماری انجام شده در ایران، قانون‌شکنی زیر مجموعه نوعی فرهنگ (قانون‌گریزی) است و نسبت به گسترش آن هشدار داده‌اند (سوهانیان حقیقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴ و ۱۷)، بر اساس یک تحقیق تجربی، نگرش ایرانیان به برخی از مصادیق مهم قانون-شکنی، منفی است: مستخرج از پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان - موج چهارم (صبوری، ۱۴۰۳: ۱۵ - ۱۷)؛ امری که پیچیدگی مطالعه این قبیل امور در ایران را می‌رساند.

باری؛ همچنان که آمد، مسایل مزبور در حالی است که بیش از یک سده از پیروزی جنبش مشروطه و تأسیس مجلس قانونگذاری در ایران می‌گذرد و از نگاه برخی مؤلفان قرار بود از دید بسیاری از بنیان‌گذاران مشروطیت در ایران، با تأسیس مجلس قانونگذاری تمام رفتارهای بی‌ضابطه در سطح مقامات عالی و نیز مردم عادی پایان یافته و یک شبه جامعه ایران متحول شود.

از نظر ما آنچه پس از این تبیین به ذهن خطور می‌کند مسأله بودن قانون‌گرایی (لااقل در بعد عینی) در ایران است. چرا که عدم تبعیت مسئولان و شهروندان از قوانین (در عین وجود تمهیدات ابزاری و اقتباسی، مبنای شرعی عمده قوانین و حتی ذهنیت مثبت نسبت به رعایت آن) بدل به یک امر گسترده شده است. اما یک «خلاء پژوهشی»^۶ در این زمینه شناسایی مؤلفه اصلی این مسأله است.

حال پرسش آن است: «کدام مؤلفه مانع مهمی در مقابل نهادینه شدن قانون‌گرایی در ایران پس از انقلاب مشروطه است؟» این مقاله می‌کوشد به روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای به این سؤال پاسخ دهد.

۱. چارچوب نظری

«کریگیر» معتقد است غایت اندیشه حاکمیت قانون، کاهش رفتار دلبخواهانه در جامعه است (Krygier, 2010: 17). اما وی تأکید می‌کند که برای نهادینه شدن حاکمیت قانون باید سنت‌ها و ارزش‌های یک منطقه را شناخت (Krygier, 2007: 14&17, 18&20).

کریگیر از جمله کسانی است که سعی کرده با نگاه جامعه‌شناسانه به مقوله حاکمیت قانون بنگرد. به نوعی می‌توان وی را تحلیل‌گر «تراژدی» یا حتی «کمدی» حاکمیت قانون در برخی کشورهای در حال توسعه دانست. دغدغه اصلی او این است که چرا نگاه حقوقی محض با توجه به تجربه کشورهای پسا کمونیستی شکست خورده و آیا می‌توان در نهایت تمام کشورها را قانون‌گرا ساخت؟

کریگیر تلاش می‌کند با «غایت، شناسی»، میان رویکردهای متفاوت و بلکه متضاد حاکمیت قانون آشتی دهد. تذکر بنیادین وی در یکی از نوشته‌هایش این است که نباید فرض کرد حاکمیت قانون منبع تمام خوبی‌ها در سیاست‌گذاری‌های جهان مدرن است. از نظر او در کنار حاکمیت قانون مفاهیم دیگری مانند: مردم‌سالاری، حقوق بشر و مشروطه‌گرایی^۷ نیز وجود دارند که حاکمیت قانون ابزاری برای نیل به تمام این موارد نیست. مشکلات زیادی در زندگی اجتماعی وجود دارند که راه‌حل آنها حاکمیت قانون نمی‌باشد. از نظر وی حاکمیت قانون لزوماً «نوش دارو» نیست بلکه گاهی می‌تواند موجب ایجاد مشکلاتی شود. در ضمن به گمان او عناصر حاکمیت قانون در هیچ سرزمینی به تنه ظهور نمی‌یابد و بسته به جوامع مختلف، طبقات اجتماعی متفاوت، نژادهای گوناگون و نواحی مختلف زندگی اجتماعی در نوسان است (Krygier, 1990: 602, 645). البته تحلیل ما آن است که کریگیر مفهوم حاکمیت قانون را با حکومت به وسیله قانون (حداقل در موارد اخیر) خلط کرده است. چرا که قانون‌گرایی، در معنای مختار این مقاله، خود از عوامل کاهش تنش در جامعه سیاسی است. آنچه مشکلات مورد نظر کریگیر را به بار می‌آورد، «حاکمیت به وسیله قانون»^۸ است.

کریگیر رویکردهای موجود درباره حاکمیت قانون را به دو دسته تقسیم می‌کند؛ نخست «رویکرد تشریحی»^۹ که دو ویژگی دارد: ۱. تمرکز بر نهادهای قانونی، هنجارها و اعمالی که مستقیماً با آنها در ارتباطند، ۲. یک فهرست از عناصری که آن نهادها و اعمال باید واجدش باشند؛ وی نگران است مطالب این چینی ما را از «موضوعات ماهوی» مهم‌تر و نیز از «شرایطی» که این امور شکلی می‌تواند در آن بهتر عمل

^۷ Constitutionalism

^۸ Rule By Law

^۹ Anatomical approach

کند غافل نمایند. از نظر کریگیتر، ارایه فهرستی از ویژگی‌های قانون و نهادهای حقوقی برای تحقق حاکمیت قانون لازم اما ناکافی است.

دوم: رویکرد مرکب از نگاه «غایت‌شناسانه»^{۱۰} و «جامعه‌شناسانه» است. در نگاه غایت‌شناسانه باید به این پرسش پاسخ دهیم که حاکمیت قانون را برای چه می‌خواهیم؟ و هدف از ایجاد آن چیست؟ و در نگاه جامعه‌شناسانه به بررسی شرایط اجتماعی لازم برای ظهور حاکمیت قانون می‌پردازیم (Krygier, 1999: 15 & 14 - Abstract Op.Cit).

از نظر او حاکمیت قانون برای آن است که قدرت بی آن که اخته و بی‌خاصیت شود، مهار گردد؛ وی غایت حاکمیت قانون را نوعی رفتار دلبخواهی می‌داند. کریگیتر به این موضوع اشاره می‌کند که در دوره پساکمونیسیم بسیاری از کشورهای اروپای شرقی به این نتیجه رسیدند که همانند امکانات مخابراتی و جاده‌های مناسب، حاکمیت قانون را هم وارد کنند این شوق در سایر قسمت‌های اروپا نیز به وجود آمد که کالایی به نام حاکمیت قانون دارند و می‌توانند آن را به کشورهای پساکمونستی صادر کنند. روش اتخاذ شده هم بیشتر پیرامون اصلاحات نظام قضایی دور می‌زد. سال آنکه تجربه نشان داد با صرف میلیاردها دلار پول توسط نهادهای بین‌المللی هنوز بسیاری از کشورهای در حال توسعه به انجام اصلاحات قانونی و قضایی، در برقراری حاکمیت قانون ناکام مانده‌اند. چنین شکستی به خاطر این امر است که برخی تصور کرده‌اند با «اصل قانونیت»^{۱۱} که نقطه ثقل آن استقلال قضایی است، همه چیز حل می‌شود در حالی که از «بستر اجتماعی قضیه» غفلت کرده‌اند (Krygier, 1999: 11 - 10 & 5 & 1).

کریگیتر برای نشان دادن درستی این مدعا به شواهد تجربی نیز استناد می‌کند. به باور او در نظم‌های حقوقی قوی، بیشتر مردم داخل سنت‌های قانونی قوی تربیت می‌شوند، با نهادهای حقوقی قوی منظم می‌گردند، در مشاغل حقوقی قوی مشغول به فعالیت می‌شوند و با ارزش‌های قانونی قوی اجتناب می‌گردند. به گمان کریگیتر نظم حقوقی غربی محمل ارزش‌ها، مفاهیم و سنت‌هایی است که در طول سده‌ها منتقل شده و همچنان پایدار مانده‌اند (Krygier, 1999: 22, 76).

حتی به باور برخی مؤلفان، نظریه حاکمیت قانون «دایسی»^{۱۲} که مشهور به اتخاذ نگاه شکلی است، ریشه در مفاهیم اخلاقی مانند «حقایق سیاسی نهایی»^{۱۳} دارد. بدین معنا که گویی مفروض او جامعه‌ای است که در

¹⁰ Teleology

¹¹ Legality

¹² Dicey

¹³ Ultimate political facts

آن پارلمان اتوماتیک‌مان به محتوای قانون و اصول بنیادین حاکمیت قانون پایبند است (Loveland, 2012:54)؛ نه آنکه وی یک‌سره از لزوم وجود فرهنگ مناسب غافل باشد.

بر مبنای این نکات می‌توان گفت قانون‌گرایی، «پدیده‌ای متغیر و متنی» و نیازمند فرهنگ هم‌نواست. مدعای ما آن است که اعمال یک الگوی قانونی می‌تواند منجر به نتایجی شود که لزوماً منتج به نتایج از پیش تعیین شده نشود. پس ترجمه و تقلید قوانین و نهادهای حقوقی دیگر کشورها همیشه نتایج مشابه در کشور میزبان را به بار نمی‌آورد.

در همین راستا کریگری که در سراسر مقالات دشوارخوان خود از اشارات و تمثیلات بهره می‌گیرد، با مثال‌زدن به شرایط یک پیوند مناسب در عالم گیاهان، معتقد است باید نخست «استعداد مکانی»^{۱۴} در مورد حاکمیت قانون ارزیابی شود و سپس به تأسیس نهادها پرداخت. وی حاکمیت قانون را جزیی از یک کل (جامعه) می‌داند و تأکید می‌کند در صورت عدم شناخت جامعه، پیوند^{۱۵} خوبی از کار در نخواهد آمد (Krygier, Ibid: 20).

«تایلر» هم تأکید می‌کند آنچه در نهایت به حاکمیت قانون می‌انجامد نوع گرایش مردم به قانون، مقامات عمومی و نهادهای دولتی است (Tyler, 1990: 22 – 27). از نگاه وی و «دارلی»،^{۱۶} لازمه مؤثر بودن حاکمیت قانون آن است که شهروندان از قوانین مصوب را احکام قضایی پیروی کنند. پس خلاف دیدگاه‌های مسلط در چند دهه اخیر، تصویب قانون و اعمال مجازات مؤثرترین راه ایجاد قانون‌گرایی در جامعه نیست؛ بلکه این الگوهای مسلط اجتماعی و اخلاقی یک سرزمین است که می‌تواند مردم را به سمت تبعیت از قانون رهنمون شود. چنین جامعه‌ای را که مردم در آن به لحاظ دورنی خود را ملزم به بروی از قوانین می‌دانند می‌توان «جامعه خود تنظیم» نامید (Tyler & Darley, 2000: 707 – 708, 711). تایلر تأکید می‌کند آنچه در نهایت به حاکمیت قانون می‌انجامد نوع گرایش مردم به قانون، مقامات عمومی و نهادهای دولتی است (Tyler, Op.Cit: 22 – 27). بر این اساس ما معتقدیم قانون‌گرایی نیازمند تحلیل از دریچه فرهنگ است.

۲. دال مرکزی فرهنگ قانون‌گرایی

^{۱۴} Genius LocI

^{۱۵} Transplantation

^{۱۶} Darley

طبق یک نظر، حاکمیت قانون بر سه اصل بنا می‌شود: ضابطه‌مندی،^{۱۷} عمومیت^{۱۸} و فراگیری (عدم تبعیض).^{۱۹} این اصول تا حد زیادی ما را در شناخت ابعاد قانون‌گرایی یاری می‌نماید.

طبق اصل ضابطه‌مندی، مقامات تنها زمانی برای استفاده از قوه قهریه مورد اعتماد قرار می‌گیرند که اعمالشان بر مبنای قوانین خردمندانه از پیش موجود بوده و در صورت نیاز به تفسیر نیز به شکلی معقول و با حسن‌نیت عمل کنند (عدم سوء استفاده از قدرت). در این راستا ضروری است قدرت دولت به صورت غیرشخصی،^{۲۰} اعمال شود. لذا از جمله مواردی که ضابطه‌مندی نقض می‌شود آن هنگام است که مقامات با قدرت به مثابه یک امانت برخورد نکنند. به عبارتی قدرت را به عنوان مالک و نه عضو نهادی به نام دولت اعمال نمایند. اما آن هنگام که مقامات حین اعمال قدرت، خود را به منزله نماینده‌ای فرض کنند که باید در چارچوب اهداف عمومی (نه شخصی)^{۲۱} و به شکلی که قانون معین نموده عمل نمایند، ضابطه‌مندی محترم شمرده می‌شود.^{۲۲} البته قانون می‌تواند مبهم یا تفسیربردار باشد؛ امری که راه تنبیه، انتقام و ایجاد هراس در دل مردم را برای مقامات باز می‌گذارد. رام‌گریز از این خطر آن است که قوانین از روی حسن‌نیت (نه تظاهر، فریب یا ریاکاری)^{۲۳} تفسیر و اجرا شوند؛ یعنی مقامات حین اعمال قدرت خود را در مقام ارایه دلیل برای چرایی لزوم تبعیت از آن قانون یا ممنوعیت آن عمل تصور نمایند (Gowder, Op.Cit: 566, 575)
579, 580 – 576, 578 –). بدیهی است مدگل بودن اعمال قدرت باید چیزی فراتر از بیان جملاتی مانند «این گونه صلاح دیدم»، «دلم خواست»، «دهنت را ببند»، «اگر اعتراض کنی بدتر می‌کنم» و... باشد.

از نظر ما غیرشخصی و مستدل بودن اعمال قدرت به نوعی بر تحدید رابطه مقامات با مردم عادی و قرار دادن دو سوی رابطه در مناسبات تقریباً برابر اشاره دارد. زیرا آن هنگام که قدرت به صورت شخصی (بر مبنای هویت افراد) اعمال شود، برخورد مقامات با یک فرد مبتنی بر خصوصیات فرقی و... خواهد بود.

اصل ضابطه‌مندی برای برقراری حداقلی از حاکمیت قانون، نیازمند پیوند به اصل عموهیت است. طبق این اصل، باید قواعدی که مقامات بر مبنای آن از قدرت سیاسی بهره‌مند می‌شوند برای مردم قابل فهم و در دسترس باشد. به عبارت دیگر اصل عمومیت مستلزم آن است که قوانین اداره امور عمومی، اعلان گردد و

^{۱۷} Regularity

^{۱۸} Publicity

^{۱۹} Generality

^{۲۰} Impersonal

^{۲۱} Personal

^{۲۲} Reasonably specific

^{۲۳} Good faith

مبهم نباشد. در صورت درخواست، مقامات می‌بایست درباره نحوه اعمال قدرت خود توضیح داده و این امکان را برای مردم عادی فراهم کنند که استدلال‌های خود را در مورد شرایطی که این قدرت بر آنها اعمال شده ارایه دهند. مقامات نه تنها باید بتوانند توضیح دهند تصمیمشان ضابطه‌مند بوده بلکه این توضیح باید تاب مقاومت در برابر استدلال‌های مختلف را نیز داشته باشد. این امر با تحقق اصل عمومیت برقرار می‌شود تا آنجا که تفاسیر غیرموجه یا دلبخواهانه قوانین جلوگیری شود (Gowder, Ibid: 561, 581 – 582).

در واقع از نظر ما «عمومیت» اشاره می‌کند که حاکمیت قانون مقتضی ارایه دلیل توسط مقامات و هنگام تقاضای آن از سوی مردم عادی است. با رواج اصل عمومیت، مردم قوانین اعمال قدرت را می‌شناسند و بر آن اعتماد می‌کنند. اما وقتی عمومیت موجود نباشد، مردم برای کسب امنیت، مجبور می‌شوند به زورمندان تکیه کنند. چرا که در شرایط مشخص بودن مبنای قانونی اعمال قدرت، فقدان شالوده استدلالی و عدم امکان ارایه دلیل مخالف، چاره‌ای جز اتکا به صاحبان قدرت نخواهد بود. در همین راستا اصل عمومیت لازمه اطمینان از غیرشخصی بودن اعمال قدرت است. اما بدون عمومیت، مردم نه از قوانین مطلع هستند و نه امکان دفاع از حق‌های قانونی خود را دارند.

اما گرچه با اصول ضابطه‌مندی و عمومیت، نظریه حاکمیت قانون تا حدی کامل می‌شود ولی زمانی به تمامه روح مساوات در آن دمیده می‌شود که اصل سوم یعنی فراگیری یا عدم تبعیض نیز مراعاً باشد. از نظر برخی پژوهشگران، طبق این اصل قوانین و نیز مقامات نباید تمایز بی‌دلیل یا بی‌ربط میان مردم برقرار سازند. یک تمایز زمانی بی‌ربط است که نتواند با عنایت به معیار خرد عمومی^{۲۴} توجیه شود (برابری واقعی افراد تحت لوای قانون) (Gowder, Ibid: 561, 601). به عبارت دیگر، تنها در صورت برخورد برابر با همه تابعان قانون، نوع رفتار دولت با مردم مدیریت می‌شود. لذا از نظر ما مفهوم برابری را در درجات مختلف، می‌توان روح قانون‌گرایی دانست.

اما اگر قانون‌گرایی تا بدین پایه مهم است، چرا برخی جوامع و به طور خاص ایران چند دهه پس از مشروطه، در مقابل تحقق آن مقاومت می‌کنند؟

۳. مشروطه، قانون و فرقه‌گرایی

^{۲۴} Public Reason

حل فوری مسائل و تفکر مبتنی بر استعمال نوش دارو، در ایران نیز مسبوق به سابقه است. گو اینکه «میرزا یوسف خان مستشارالدوله» (۱۲۰۲ - ۱۲۷۴ خورشیدی) دیپلمات دوره ناصرالدین شاه قاجار با نگارش رساله «یک کلمه» در سال ۱۲۴۸ خورشیدی در پاریس راه حل تمام مشکلات ایران زمین را در کلمه «قانون» می‌دانست (مستشارالدوله، ۱۳۸۸: ۷۹).

مانی که در ۱۲۸۵ خورشیدی انقلاب مشروطه در ایران به پیروزی رسید نیز امید بسیاری به حل مشکلات اجتماعی، سیاسی و قضایی کشور دوخته شده بود. در این راستا حتی تلاش شد از ظرفیت شرع مقدس نیز برای ایجاد قانون‌گرایی در کشور استفاده شود. برای نمونه برخی مؤلفان گرچه انقلاب مشروطه در ایران را «طرحی از حکومت قانون» می‌دانند که در راستای تبدیل «حقوق شرع» به «قانون‌های عرفی» گام برداشت اما تأکید می‌کنند این قانون در بادی امر چیزی جز قانون اسلام نمی‌توانست باشد و اشاره می‌کنند که خاستگاه قانون هر کشوری اختلافات آن کشور در معنای عام (از جمله شرع) است (طباطبائی، ۱۳۸۶: ۶۵۷، ۶۵۵ - ۶۵۴، ۶۱۰، ۵۴۶ و ۶۲۸).

در نقطه مقابل، برخی دیگر از مؤلفان در تبدیل ساختاری می‌گویند مشروطه در هدف خود که قانون‌مند کردن امور، محدود ساختن قدرت و تساوی مردم در برابر قانون بود ناموفق شد (آجودانی، ۱۳۸۲: ۱۶۱ - ۱۵۹ و ۱۷۲). نکته حایز اهمیت آن است که در نگاه «زینبائی»^{۲۵} برخی، «شرع‌مداری» ایرانیان را مایه‌ای برای قانون‌گرایی آنها دانسته و نقش و کارکرد فقه را در همین راستا به شمار آورده‌اند (نوبهار، ۱۳۹۴: ۳۷ - ۳۸). شاید یکی از دلایل این نگاه مشابهت برخی احکام فقهی و قانون در تنظیم حیات اجتماعی انسانها باشد.

در حالی که از نظر برخی مخالفان این نظر، بحث بر سر قواعد موجود است. قواعدی که به دلیل حساسیت‌های کلامی، نگاهی متفاوت با نظم قانونی دارد (واله، ۱۳۹۴: ۴۱). همچنان که از نگاه برخی مؤلفان، اجتهادهای شخصی و مختلف نیز ممکن است با نظم فوق تعارض پیدا کند (فیرحی، ۱۳۹۴: ۳۰).

باری؛ این امر زمانی مهم جلوه می‌کند که بدانیم اساساً جامعه ایران با ورود قانون مدرن دچار نوعی نگرانی شد: در آستانه ورود پدیده قانون مدرن به ایران چالشی میان ارزش‌ها و آرمان‌های سنتی و مدرن به وجود آمد. به یکباره هویت در خود فروبسته ایرانی که از ذهنیت تاریخی و تجربه زبانی خود متأثر بود، با بحرانی روبرو شد که ناشی از برخورد امری جدید با هویتش بود. شاید این امر نقطه عطفی بود در راستای ایجاد تکثر هویتی. تا جایی که از نگاه برخی، «برخورد ایران با تجدد غربی» لایه‌ای از هویت ایرانی و یکی از سه

پایه آن (در کنار هویت پیش از اسلام و هویت اسلامی) شد (بروجردی، ۱۳۷۹: ۳۲). روی هم رفته، نسبت قانون مصوب پارلمان با قوانین شرعی، ایجاد محاکم دادگستری، اخذ مالیات و... از جمله چالش‌هایی بود که پدیده قانون مدرن برای هویت ایرانیان به ویژه در ابعاد سیاسی و مذهبی آن ایجاد کرد (نظری، ۱۳۹۰: ۲۵۲-۲۵۳). به عبارت دیگر قرار شده بود از آن به بعد معیار رفتار در سراسر کشور قانون مصوب پارلمان باشد و نه چیز دیگر (فیرحی، ۱۳۹۶)؛ و این امر برای جامعه‌ای که متشکل از فرقه‌های گوناگون بود، تازگی داشت.

باری؛ «فرقه‌گرایی»^{۲۶} مفهومی است که ریشه در علوم اجتماعی دارد. در علم لغت، «فرقه»^{۲۷} را به «دسته، گروه، طایفه» تعریف کرده‌اند (معین، ۱۳۸۲: ۶۸۱). به طور کلی فرقه‌گرایی اشاره به نوعی تمایل به تبعیض و دوری به تعاملات مثبت و تمسک از سوی افراد به دلایل هویتی دارد (کریمی فرد، ۱۴۰۰: ۲۵۵). اما به طور خاص می‌توان گفت بنیان فرقه‌ها بر پشتیبانی از یک آیین خاص قرار دارد؛ شاید از این روست که از نگاه برخی مؤلفان، فرقه‌گرایی از اساس با قطب‌بندی و تمایز انگاری همراه است (Dakake, 2007: 181 – 185).

این پدیده اجتماعی که می‌تواند علل گوناگونی داشته باشد، حول اندیشه «برتری و سروری» یک فرقه بر دیگران می‌گردد (عشماوی، ۲۰۰۴: ۳۳ – ۲۷؛ ۲۶۳ و ۱۷۰ و نیز آرکون، ۱۹۹۸: ۲۸۲)؛ به عبارت دیگر در یک جامعه فرقه‌ای، هر گروه، یا لاقل گروه مسلط، خود را به لحاظ ماهیت «ممتاز» می‌داند (Abisaab, 2004: 108) و همین باور به متمایز بودن، عامل اصلی در هویت بخشی به آنها به شمار می‌آید (Dakake, Op.Cit: 2, 144 – 145).

در طول تاریخ تنش میان ازبک‌ها، عثمانی‌ها و صفویان در سده ۱۷ میلادی (Abisaab, Op.Cit. 4)؛ «شورش‌های نارنجی»^{۲۸} در بازه ۱۸۷۱ – ۱۸۷۰ میان بخشی از پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها (Gordon, 2018: 1 – 26) و ظهور «داعش» در منطقه خاورمیانه، همگی نشانه‌هایی از تقابل فرقه‌های مختلف با یکدیگر است.

²⁶ Sectarianism

²⁷ Sect

²⁸ The Orange Riots

فرقه‌ها عمدتاً انشعابی از ادیان تلقی می‌شوند. از این رو مطابق برخی نظرات می‌توان گفت اگر ادیان از طریق فعالیت‌ها و مناسک خاصی موجب تقویت انسجام و همبستگی هستند (گیدنز و ساتن، ۱۳۹۶: ۲۵۵)، فرقه‌ها نیز در نقطه مقابل نظم موجود عمل می‌کنند (احمدآبادی و بیگدلو، ۱۳۹۹: ۱۷۵).

بر اساس تحقیقات، فرقه‌گرایی در دهه‌های اخیر رشد قابل توجهی در دنیا داشته (Jamshidi, 2013: 43-23) و آمار نشان می‌دهد این پدیده در طول تاریخ نه تنها یک چالش بین‌المللی که یک مسأله داخلی نیز بوده است: نسل‌کشی ارمنی توسط حکومت عثمانی (رک: جاویدزاده، ۱۳۹۰: ۳)، نسل‌کشی مسلمانان توسط بودایی‌ها در میانمار (سلیمی و شفیع، ۱۳۹۸: ۴۸)، سلب تابعیت بخشی از شیعیان بحرین توسط حکومت آن کشور (قاسمی، ۱۳۹۸: ۹۴۲) و رفتارهای فرقه‌ای موجود در نظام اداری افغانستان (الکوزه‌ی و هادوی نژاد، ۱۳۹۸: ۶۱۵-۶۱۶) شاهد مثالی برای این امر به شمار می‌آید.

اعمالی مانند عملیات انتحاری و کشتار مردم توسط گروه‌های تکفیری (نجف‌زاده و جمالی، ۱۳۹۸: ۱۳۳-۱۳۲)، تخریب اموال خصوصی و عمومی ایجاد مشکل در مسیر ارایه صحیح «خدمت عمومی»^{۲۹} و تأمین «نفع عمومی»^{۳۰} تبعیض در استخدام نیروها بر اساس گرایش‌های قومی - مذهبی و دامن زدن به تبعیض ناروا در نظام اداری (Weiss, 2010: 115) نشان می‌دهد فرقه‌گرایی نظام حقوقی جامعه را نیز با چالش جدی مواجه می‌سازد.

باری؛ همان طور که آمد به نظر می‌رسد، نوعی گرایش به «مسئله فرقه‌ای» در جامعه ایران، وجود دارد. در هویت ایرانی (با وجود تمام تکتورها) نوعی تمایل به تمایز و «دیگری» ساختن وجود دارد. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶۱-۱۶۵، ۱۲۳-۱۲۲، 206, 122 & Dakake, Ibid: 8-9, 12, 37, 44 & Abisaab, Ibid: 8-9).

«هما کاتوزیان» یکی از نموده‌های این قبیل خلق و خو را «شخصی‌انگاری» امور در ایران می‌داند که بر اساس آن «اگر کسی به ما وابسته باشد مثل پدر و مادر و خویشان و دوستان بزرگترین اینها را در حقتان حاضریم بکنیم. از سوی دیگر اگر کسی را شناسیم و همان مشکلات برایشان پیش بیاید می‌گوییم به جهنم و به هیچ می‌گیریمشان. این به هیچ گرفتن دیگران و شخص‌گرایی افراطی هم به همان افراط و تفریط در رفتارها مرتبط است. می‌بینید که همه این‌ها با هم ریشه‌های مشترک دارند.» وی عامل این روحیه را «کوتاه مدت بودن جامعه»، «استبداد» و «هرج و مرج» می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۵).

²⁹ Public Service

³⁰ Public Interest

آنچه مایه شگفتی است تداوم این فرهنگ از عصر مشروطه تاکنون است. تا حدی که آنچه که معمولاً با عنوان «عرفان‌های کاذب» از آن یاد می‌شود نیز از همان کهن الگوهای فرقه‌ای بهره می‌گیرد (فلاح رفیع، ۱۳۹۰؛ دارا، ۱۳۸۸).

به روی می‌توان گفت ایران دائماً محل بروز و ظهور اندیشه‌هایی بوده که در ذات خود گونه‌ای از سلسله مراتب یا فرقه‌گرایی را مقرر می‌داشتند (Abisaab, Ibid: 90؛ العشماوی، ۲۰۰۴: ۱۵۵ و ۲۶۳). تا جایی که برخی معتقدند، «فرهنگ عشیره‌ای» مهم‌ترین داده در شکل‌گیری رفتار و فرهنگ سیاسی ایرانیان قلمداد می‌شود. از نگاه ایشان مبنای زندگی عشیره‌ای در سلسله مراتب مبتنی بر خویشاوندی و ریش‌سفیدی و سن است. از این نظر، نبود ساختار، رفتار و روابط قاعده‌مند موجب باز تولید فرهنگ عشیره‌ای در محیط زندگی انسان ایرانی شده است (سریع التلم، ۱۳۸۹: ۱۳۶ - ۱۴۰).

با عنایت به موارد فوق کشور ایران با توجه به قرار گرفتن در منطقه‌ای مشحون از فرقه‌گرایی (خاورمیانه) اگر در پی پیشرفت و تعالی است، باید میزان باورهای فرقه‌ای و تأثیر آن بر کارکرد نظام حقوقی را پایش و با آن مقابله نماید (For The Rule of Law and Development Sec. Weingast, 2011: 4).

نتیجه‌گیری

قانون‌گرایی پدیده‌ای است که اشاره به عملی شدن آرمان حاکمیت قانون در سطح صاحب‌منصبان و مردم عادی دارد؛ روابط اجتماعی به دو شکل عمودی (مردم و حکومت) و افقی (مردم با مردم) در جریان است و نبود قانون‌گرایی در هر یک به ترتیب می‌تواند به هرج و مرج منجر شود. به عبارتی این پدیده دارای جنبه اجتماعی است.

قانون‌گرایی را متشکل از سه اصل «ضابطه‌مندی»، «عمومیت» و «فراگیری» می‌دانیم که روح آن برابری و غایتش نفی رفتار دلبخواهی است. زیرا حاکمان نسبت به مردم و مردم نسبت به یکدیگر زمانی دلبخواهانه عمل می‌کنند که خود را در موضعی برتر از طرف مقابل دانسته او را خوار (نابرابر) به شمار آورند. از نگاه ما، مهم‌ترین اقتضای قانون‌گرایی، فرهنگ است. چرا که قانون‌گرایی نوعی رفتار به شمار آمده و رفتارهای انسان تا حد زیادی توسط هنجارهای اجتماعی رایج تعیین می‌شوند. هنجارهای مسلط، الگوهای رفتاری هستند که عمدتاً با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی هر جامعه (باور، ارزش و گرایش) شکل می‌گیرند. لذا این نظریه که اگر فرهنگ قانون‌گرایی ایجاد شود، پس قانون‌گرایی می‌تواند ظهور و تداوم یابد صحیح ارزیابی می‌شود.

فرهنگ ایران از زمان ورود پدیده قانون مدرن در عصر مشروطه، دستخوش چالش‌هایی شده است. ایرانیان که روزگاری بر مبنای متمایز بودن، رابطه خود را با دیگران تنظیم می‌کردند، با پدیده‌ای روبرو شدند که در قالب نظریه حاکمیت قانون به دنبال تنظیم جامعه فارغ از مبنا قرار دادن تمایزها بود.

فرهنگ مبتنی بر تمایز، در حالت معمول، در تضاد با مفهوم برابری و نیز نفی رفتار دلبخواهی است؛ این نرسدگی، افراد فرقه‌ای مسلک بار می‌آورد که تبعات آن برای پدیده قانون‌گرایی، منفی است. ظهور قانون-گرایی با توجه به چنین فرهنگی از آن حیث به دشواری امکان‌پذیر است که ساختاری غیر ضابطه‌مند برای تنظیم جامعه ارائه می‌دهد. در بافتار این فرهنگ ایرانی، منبع تنظیم اجتماعی قانون نیست؛ تقسیم کارها نه بر اساس شایسته‌سالاری که بر اساس آشنایی صورت می‌گیرد و اگر تشکیلات مدرن نیز به نظام حقوقی افزوده شود به دلیل رواج رفتارهای شخصی مانع کارکرد صحیح آنان و در نهایت چندگانگی ساختاری می‌شود.

نتایج گویای آن است که مشخصه‌های اصلی این فرهنگ به ویژه در خصوص باور به ممتاز بودن جامعه، تداوم یافته است. ضمن آنکه منش فرقه‌ای حتی با وجود تغییرات عمیق در نوع نگاه مردم به امور اجتماعی همچنان در قالب‌های نو مانند عرفان‌های جدید و... خردنمایی می‌کند.

اما این بدان معنا نیست که فرهنگ مزبور به ویژه از حیث ابعاد دینی و مذهبی دچار تحول نشده و فرهنگ جامعه هرگز پذیرای قانون‌گرایی نیست؛ پدیده‌های اجتماعی در رابطه رفت و برگشتی با یکدیگر بوده در آن واحد علت و معلول هستند. تحولات در حوزه‌هایی مانند راه‌نمایی و آاندگی و تنظیم خانواده نتایج مثبتی از حیث فرهنگ‌سازی به بار آورده است. این امر نشان می‌دهد الگوهای رفتاری محصول فراگرد فرهنگ و اقدامات ابزاری دولت هستند.

به بیان دیگر، رابطه این فرهنگ و قانون‌گرایی از جنس تباین نیست. اتخاذ این نگاه مانع از آن می‌شود که به تاسی از ایده‌های مستشرقین، روایتی سر راست از فرهنگ ایرانی ارائه دهیم. مصادیق قانون‌گرایی شهروندان، متعاقب سیاست‌های منطقی ابزاری دولت در داخل کشور و نیز تجربه سایر کشورها، در عبور از فرهنگ سلسله‌مراتبی به فرهنگ مساوات خود گواهی بر این نظر است.

قابل ذکر است برای تعالی نظام قانونی، به‌رغم پذیرش تکثر هویتی، باید تنها به مفاهیمی اجازه ورود به سرزمین قانون داد که در راستای روح قانون‌گرایی قرار دارند. نه آنکه به بهانه تکثر حقوقی، مفاهیم و نهادهایی وارد نظام قانونی شود که در نهایت با توجه به محتوای فرقه‌ای، ضد قانون‌گرایی عمل کنند.

ضمناً این نگاه به رابطه نظام حقوقی و فرهنگ واجد خصایص و دقایق ظریفی است؛ نخست آنکه با توجه به دشوار بودن فرهنگ سازی، بطیء و کند خواهد بود و دوم آنکه با توجه به خطر آفرین بودن استفاده بیش از حد از تکنیک‌های ابزاری، مستلزم کاربست حزم و احتیاط دولت در بهره‌گیری از آنهاست.

منابع

فارسی

پایگاه اینترنتی

۱. بی‌نا، (۲۰۲۳)، «از آمریکا تا ایران؛ ۱۰ کشور اول جهان در تعداد زندانی در سال ۲۰۲۳»، *العین فارسی*، مندرج در:

تاریخ آخرین بازدید: <https://alainpersian.com/article/top-countries-most-prisoners>.

۱۴۰۴/۰۷/۱۶

۲. بی‌نا، (۱۴۰۴)، «پرونده‌های جنجالی فساد در سال ۱۴۰۲؛ از پجای دبش و کوروش کمپانی تا زد و بندهای فوتبالی»، ستاره صبح آنلاین به نقل از خبر فوری، مندرج در:

<https://setaresobn.ir/news/697610/%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%AC%D9%86%D8%AC%D8%A7%D9%84%DB%8C-%D9%81%D8%B3%D8%A7%D8%AF-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%D8%A7%D9%84-1403-%D8%A7%D8%B2-%DA%86%D8%A7%DB%8C-%D8%AF%D8%A8%D8%B4-%D9%88-%DA%A9%D9%88%D8%B1%D9%88%D8%B4%DA%A9%D9%85%D9%BE%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%AA%D8%A7-%D8%B2%D8%AF-%D9%88-%D8%A8%D9%86%D8%AF%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%81%D9%88%D8%AA%D8%A8%D8%A7%D9%84%DB%8C>

۱۴۰۴/۰۴/۱۸

۳. دارا، جلیل، (۱۳۸۸)، «نمادهای عرفانهای کاذب در دانشگاه/ وجود رابطه مرید و مرادی در دانشگاهها»، مهر، مندرج در:

تاریخ آخرین مراجعه: ۱۲ / ۰۱ / ۱۳۹۶ [Http://www.mehrnews.com/news/1030310/%D9](http://www.mehrnews.com/news/1030310/%D9)

۴. فلاح رفیع، علی، (۱۳۹۰)، «فعال‌ترین عرفان‌های کاذب در ایران»، تابناک، مندرج در:

تاریخ آخرین مراجعه: ۱۲ / ۰۱ / ۱۳۹۶ [Http://www.tabnak.ir/fa/news/183332/%D9](http://www.tabnak.ir/fa/news/183332/%D9)

۵. فیرحی، داوود، (۱۳۹۶)، «انقلاب مشروطه و تحول در نظام حکمرانی، حاکمیت قانون موضوعه»، مندرج در:

تاریخ آخرین مراجعه: ۲۷ / ۰۴ / ۱۳۹۶ [Http://newspaper.fdn.ir/newspaper/BlockPrint/43694](http://newspaper.fdn.ir/newspaper/BlockPrint/43694)

۱۳۹۶

۶. مظفری، حکمت‌علی، (۱۴۰۲)، «ورود ۲۵ هزار پرونده به دیوان عدالت اداری در یک ماه/ تبدیل وضعیت استخدامی از موضوعات کثیرالشاکه»، ایسنا، مندرج در:

<https://www.isna.ir/news/1402091410155/%D9%88%D8%B1%D9%88%D8%AF-%DB%B2%DB%B5-%D9%87%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87-%D8%A8%D9%87-%D8%AF%DB%8C%D9%88%D8%A7%D9%86-%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%84%D8%AA-%D8%A7%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%DB%8C%DA%19-%D9%85%D8%A7%D9%87-%D8%AA%D8%A8%D8%AF%DB%8C%D9%84-%D9%88%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D8%AA> تاریخ آخرین مراجعه: ۲۰ / ۰۴ / ۱۴۰۴

۷. مقیمی، محمدرضا، (۱۴۰۰)، «افزایش ۳۰۰ درصدی اختلاس و ۳۵۷ درصدی رشوه‌خواری نسبت به سال گذشته»، آفتاب، مندرج در آدرس:

<https://aftabnews.ir/fa/news/729983/%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7%DB%8C%D8%B4-%DB%B3%DB%B0%DB%B0-%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF%DB%8C-%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D8%B3-%D9%88-%DB%B3%DB%B5%DB%B7-%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF%DB%8C>

[%D8%B1%D8%B4%D9%88%D9%87%E2%80%8C%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D9%86%D8%B3%D8%A8%D8%AA-%D8%A8%D9%87-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%DA%AF%D8%B0%D8%B4%D8%AA%D9%87](#) تاریخ

آخرین مراجعه: ۱۴۰۰ / ۰۷ / ۱۸

کتاب

۱. آجودانی، مانند الله، (۱۳۸۲)، مشروطه‌ی ایرانی، تهران، اختران.
۲. راسخ، محمد، (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی آموزش عمومی حقوق، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۵.
۳. سامبر، آله خاندرو، (۱۳۹۴)، راه‌های برگشتن به خانه، ترجمه و نداد جلیلی، تهران: چشمه.
۴. سریع‌القلم، محمود، (۱۳۸۹)، فرهنگ سیاسی ایران، تهران، فرزانه.
۵. صبوری، محمدمبین، (۱۴۰۳)، ایران در آینه شاخه‌های جهانی فرهنگ؛ وضعیت فرهنگی ایران در پیمایش ارزش‌های جهانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۶. طباطبایی، سید جواد، (۱۳۸۶)، تأملی درباره ایران، جلد دوم: نظریه حرمت قانون در ایران، بخش دوم: مبانی نظریه مشروطه خواهی، تبریز: ستوده.
۷. کاتوزیان، محمدعلی همایون، (۱۳۹۳)، در جستجوی جامعه‌ی بلند مدت، مصاحبه‌گر: کریم ارغنده‌پور، تهران: نی.
۸. گیدنز، آنتونی و ساتن، فیلیپ دبلیو، (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی، جلد اول، مترجم: هوشنگ نایی، چ دوم، تهران: نی.
۹. مستشارالدوله، میرزا یوسف خان تبریزی، (۱۳۸۸)، یک کلمه، به کوشش باقر مؤمنی، تهران: شادگان.
۱۰. نظری، علی‌اشرف، (۱۳۹۰)، مدرنیته و هویت سیاسی در ایران، تهران: میزان.
۱۱. واربرتون، نایجل، (۱۳۸۸)، آثار کلاسیک فلسفه، چ چهارم، تهران: ققنوس.

۱۲. هابز، توماس، لویاتان، (۱۳۸۱)، ویرایش و مقدمه از: سی. بی. مکفرسون، ترجمه حسین بشیریه، چ دوم، تهران: نی.

مقاله

۱. الکوزهی، عادلہ و هادوی نژاد، مصطفی، (۱۳۹۸)، «جوهره فرقه‌گرایی در سازمان‌های دولتی: پژوهشی در افغانستان، مدیریت دولتی، دوره ۱۱، ش ۴: ۶۰۸ - ۶۲۸.

۲. امیرارجمند اردشیر، (۱۳۸۱)، «سیاست‌های کلی نظام در پرتو اصل حاکمیت قانون و جمهوریت»، راهبرد، ش ۲۶: ۷۰ - ۹۲.

۳. بروجردی، مهرزاد، (۱۳۹۹)، «فرهنگ و هویت ایرانی در فراسوی مرزها»، مطالعات ملی، سال دوم، ش ۵، ۱۳۷۹.

۴. بیگدلو، رضا و احمدآبادی، محمد، (۱۳۹۰)، «تحلیل انتقادی آرای شرق‌شناسان در باب امنیت در ایران مورد مطالعه: آثار سر جان مالکم»، تاریخ اسلام، دوره ۲۱، ش ۳، پیاپی ۸۳: ۲۳۷ - ۲۸۲.

۵. تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۹)، «فرهنگ و هویت ایرانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، مطالعات ملی، سال نخست، ش ۴.

۶. جاویدزاده، حمیدرضا، (۱۳۹۰)، «سیاست‌های پیشگیرانه سازمان ملل متحد در قبال نسل‌کشی»، پژوهش حقوق عمومی (پژوهش حقوق) (حقوق و سیاست)، سال ۱۳، ش ۳۳: ۱ - ۲۲.

۷. جعفری، افشین؛ رحمانی، سینا، (۱۴۰۰)، «پیشگیری از ارتکاب قتل ناموسی علیه زنان با نگاهی به نظریه فمینیستی جرم‌شناسی»، مطالعات پیشگیری از جرم، دوره ۱۶، ش ۵۹: ۲۹ - ۵۹.

۸. ذوالفقاری، حسین؛ عزیززاده، عظیم؛ بهرامی، مهدی، (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر قانون مناسب در نظم اجتماعی»، نظم و امنیت انتظامی، سال ۵، ش ۱ (پیاپی ۱۷)، ۱۳۹۱.

۹. رضاقلی‌زاده، مهدیه، آقایی، مجید و عالمی، امیرحسین، (۱۳۹۸)، «تحلیل فرار مالیاتی در ایران به روش شاخص چندگانه - علل چندگانه (MIMIC)»، مجلس و راهبرد، دوره ۲۶، ش ۹۷: ۱۹۱ - ۲۲۶.

۱۰. سلیمی، رویا، شفیعی، نودر، (۱۳۹۸)، «تبیین علل نسل‌کشی مسلمانان روہینگیا در میانمار»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، ش ۱۴: ۲۹ - ۵۲.

۱۱. سوهانیان حقیقی، محسن؛ فولادیان، مجید؛ اکبری، حسین؛ (۱۳۹۸)، «تحلیل تطبیقی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌شکنی در استان‌های ایران مبتنی بر منطق فازی»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره بیستم، شماره ۴: ۳-۳۲.

۱۲. عزتی، مرتضی، (۱۳۹۲)، «تبعیض اقتصادی بین منط‌های در ایران»، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، دوره ۱، ش ۳: ۷۷-۱۰۲.

۱۳. عزتی، مرتضی؛ سیف، الله مراد و ملکی شهریور، مجتبی، (۱۳۹۲)، «شاخص‌سازی «تبعیض اقتصادی» به عنوان زمینه ساز تهدید نرم و ارزیابی آن در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی استان‌های کشور»، *مطالعات راهبردی بسیج*، سال ۱۶، ش ۶۱: ۱۱۷-۱۴۹.

۱۴. فیرحی، داود، (۱۳۹۴)، «ریشه‌های تاریخی رابطه شریعت و قانون»، *سخن ما*، ش ۷.

۱۵. قاسمی، غلامعلی، (۱۳۹۸)، «بررسی سلب تابعیت اتباع بحرین در پرتو حقوق بین‌الملل بشر»، *مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۹، ش ۳: ۹۴۱-۹۵۹.

۱۶. کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، (۱۳۸۸)، «آسیب‌شناسی خلق و خوی ایرانیان»، در گفتگو با فاطمه شمس، *آیین*، ش ۲۷-۲۶.

۱۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۹)، «نقد قانون‌گرایی افراطی»، *نقد و نظر*، ش سوم و چهارم: ۴۹۰-۵۰۶.

۱۸. کریمی فرد، حسین، (۱۴۰۰)، «فرقه‌گرایی و سیاست خارجی لبنان»، *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۹، ش ۱۸: ۲۴۹-۲۷۶.

۱۹. نجف‌زاده، مهدی و جمالی، جواد، (۱۳۹۸)، «نشانه‌شناسی عملیات انتحاری در گرده‌های تکفیری اسلامی (مطالعه موردی: داعش در عراق)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۲۰، ش ۷۷: ۱۲۷-۱۲۴.

۲۰. نواح، عبدالرضا؛ نبوی، سیدعبدالحسین، و حیدری، خیری، (۱۳۹۵)، «قومیت و احساس طرد اجتماعی، مخاطرات اجتماعی پیش رو (مورد مطالعه، قوم عرب شهرستان اهواز)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۷، ش ۴: ۷۴-۱۰۴.

۲۱. نوبهار، رحیم، (۱۳۹۴)، «تأملی بر ریشه‌های شکل‌گیری و حوزه‌های کاربرد احکام فقهی و احکام قانونی»، در: *میزگرد رابطه دین و قانون*، *سخن ما*، ش ۷.

٢٢. واله، حسين، (١٣٩٤)، «تأملی بر ریشه‌های شکل‌گیری و حوزه‌های کاربرد احکام فقهی و احکام قانونی»، در: میزگرد رابطه دین و قانون، سخن ما، ش ٧.

عربی

١. أركون، محمد، (١٩٩٨)، تاريخيه الفكر العربي الإسلامي، ترجمه: هاشم صالح، الطبعة الثالثة، بيروت: مركز الأبحاث القوي و المركز الثقافي العربي.
٢. العشاوي، محمد سعيد، (٢٠٠٤)، الاسلام السياسي، بيروت: الانتشار العربي، الطبعة الخامسة.

English

Article

1. Gowder, Paul, (2013), "THE RULE OF LAW AND EQUALITY", **Law and Philosophy**, Vol. 13, No. 5: 565 – 618.
2. Krygier, Martin, (1990), "Marxism and the Rule of Law: Reflections after the Collapse of Communism", **Law and Social Inquiry**, No. 15.
3. //, //, (1999), "Ethical Positivism and the Liberalism of Fear", in Tom Campbell and Jeffrey Goldsworthy (ed), **Judicial Power, Democracy and Legal Positivism**, Dartmouth.
4. //, //, (2007), "The Rule of Law: Legality, Teleology, Sociology", **University of New South Wales Faculty of Law Research Series**, Paper 65, University of New South Wales.
5. //, //, (2010), "Four Puzzles about the Rule of Law: Why, What, Where? And Who Cares?", **Working Paper Thesis**, University of New South Wales.
6. McAdams, Richard H., (2000), "Focal Point Theory of Expressive Law", **Journal Articles**, Chicago Unbound, University of Chicago Law School.
7. Sellers, Mortimer, (2010), "An introduction to the rule of law in comparative perspective", edited by Mortimer sellers and Tadeusz tomaszewski, **The Rule of Law in comparative perspective**, Springer.
8. Shklar, Judith N., (1987), "Political theory and the rule of law", In: Allan Hutchinson & Patrick J. Monahan (eds.), **The rule of law: Ideal or ideology**, Toronto: Carswell.

9. Tyler, Tom. R & John. M. Darley, (2000), "Building a law – abiding society: taking public views about morality and the legitimacy of legal authority into account when formulationg substantive law", **Hofstrat law Review**, vol, 28.

10. Weingast, Barry R., (2011), "Why Developing Countries Prove So Resistant to the Rule of Law", in James J. Heckman, Robert L. Nelson, and Lee Cabatingan(eds), **Global Perspective on the Rule of Law**, Abingdon, Routledge.

Book

1. Abisaab, Rula Jurdi,(2004), **Converting Persia**, I.B.auris & Co Ltd.

2. Dakake, Maria Massi, (2007), **The charismatic community : Shi'ite identity in early Islam**, Editor: Seyyed Hossein Nasr, State University of New York Press, Albany, USA.

3. Gordon, Michael A., (2018), **The Orange Riots: Irish Political Violence in New York City, 1870 and 1871**, Cornell University Press.

Jamshidi, Maryam, (2013), **The Future of the Arab Spring: Civic Entrepreneurship in Politics, Art, and Technology Startups**, Butterworth-Heinemann.

4. Loveland, Ian, (2012), **Constitutional Law, Administrative Law, and Human Rights: A Critical Introduction**, Sixth edition, oxford.

5. North, D. C., Wallis, J. J., & Weingast, B. R., (2009), **Violence and social orders: a conceptual framework for interpreting recorded human history**, Cambridge University Press.

6. Tamanaha, Brian Z., (2004), **On The rule of law**, Cambridge.

7. Tyler, Tom. R, (1990), **why people obey the law**, Princeton university press.

8. Ratnapala, Suri, (1990), **Welfare State or Constitutional State?**, The Centre for Independent Studies Limited, Australia.

9. Weiss, Max, (2010), **In the Shadow of Sectarianism: Law, Shi`ism, and the Making of Modern Lebanon Hardcover – October 30**, Harvard University Press.

Website

1. The World Justice Project, (2024), "WJP Rule of Law Index", **The World Justice Project**, Available at: https://worldjusticeproject.org/sites/default/files/documents/WJP-ROLI_2024-Online_0.pdf. last visited on: 09/ 29/ 2025.
2. Transparency International, (2024), "Corruption Perceptions Index", **Transparency International**, Available at: <https://www.transparency.org/en/cpi/2024>. last visited on: 09/ 29/ 2025.

Desire for The Law abiding

Seyyed shahaboddin mousavizadeh Markieh (PhD of Public Law)³¹

Abstract

"The Law abiding" is one of the favorite phenomena of the sociology of law, and most of the views on it are linear, instrumental and adaptive. This is despite the fact that the above phenomenon has complex characteristics. In this article, an attempt was made to analyze legalism in an interdisciplinary manner and to focus on its interaction with the culture of Iran on the basis of lessons from the Constitutionalism. Considering that the aforementioned concept, its emergence and consistency are examined with different epistemic systems, achieving a comprehensive understanding of it, especially in the transitioning society of Iran, requires entering into various fields such as theology, jurisprudence, history, law, sociology, anthropology, etc. (systemic analysis). In this essay, a descriptive-analytical method was used with a survey tool and it was tried to be another step in the study field of sociology of law. The results showed that The Law abiding has a social aspect and is a complex, multifaceted, variable and textual phenomenon that is in a Dialogical (back and forth) relationship with its most important requirement - culture. The reason for the mentioned relationship is rooted in the importance of the existence of a platform for the emergence of

³¹ Faculty member at University of Guilan;
Email: sshahabm88@gmail.com

culture of The Law abiding. The importance of cultural prerequisite is also due to the fact that The Law abiding is a type of social behavior and this itself is mainly modeled by dominant social norms. According to the available statistics, our country currently lacks favorable conditions for the stability of The Law abiding. In search of the cause of this discrepancy, In search of the cause of this inconsistency, our studies showed that a kind of sectarian characteristic can be identified in Iranian culture. This feature puts the said culture in front of the goal and spirit of The Law abiding. But the mentioned relationship is not of the type of Empty. Due to the dialogical (back and forth) relations between the legal system and culture, there have been changes in terms of compliance with the law in some social areas, which shows the evolution of Iranian culture and The Law abiding.

Keywords

Iran, Sociology of law, Public law, The rule of law, Culture, Sectarianism

Accepted/Awaiting Publication/Draft/Version/Revised
انتشار آنگاه / ویراستاری نشده / نسخه اولیه / انتظار انتشار آنگاه